

تأثیر تحولات جمعیتی کشور بر جامعه آماری تحت پوشش

سازمان تأمین اجتماعی و برنامه‌های آن

کورش آئینه وند *

چکیده:

امروزه بیمه‌های اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین پشتوانه نیروی انسانی (یکی از منابع مهم تولید) می‌باشند. توسعه بیمه‌های اجتماعی یکی از لوازم قابل توجه و مؤلفه‌های مهم توسعه اقتصادی اجتماعی است. در کشورهایی که تأمین منابع مالی بیمه‌های اجتماعی از محل وصول حق بیمه از بیمه‌شده به جای مالیات مطرح می‌باشد، به شدت وابسته به نیروی انسانی تحت پوشش است، که محاسبات جمعیتی میزان مرگ و میر به تفکیک گروه‌های سنی، میزان‌های فعالیت و اشتغال، رشد جمعیت، درصد جوانی و سالخوردگی جمعیت، به خصوص پیش‌بینی آنها از مهمترین و اصلی‌ترین پایه محاسبه بیمه‌ای آنها است.

بر این اساس این نوع از بیمه‌ها (مانند تأمین اجتماعی ایران) به شدت تحت تأثیر تحول جمعیتی بوده به نحوی که جوانی و سالخوردگی، اشتغال، بیکاری، مرگ و میر و حتی مهاجرت می‌تواند بیمه‌ها را تحت تأثیر قرار داده و آنها را تقویت و یا به بحران کشاند. پس با توجه به اهمیت و جایگاه مهم بیمه‌های اجتماعی در توسعه اقتصادی -

اجتماعی که امروزه بر هیچ فردی پوشیده نیست. آگاهی از تحولات جمعیتی، نحوه محاسبات شاخص های جمعیتی و پیش بینی گروه های مختلف جمعیتی در کوتاه مدت و بلندمدت برای برنامه ریزان و سیاستگذاران بیمه های اجتماعی را امری حیاتی و ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در این مقاله به اهمیت تأثیر گذاری تحول جمعیتی و نقش آنها نسبت به برنامه های بیمه های اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: رشد بی رویه جمعیت، ضریب جوانی، ضریب سالخوردگی، نسبت

بستگی، نرخ بیکاری، جمعیت فعال، ضریب تکفل، مستمری بگیر، بیمه های اجتماعی، محاسبات بیمه ای.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

تامین اجتماعی پدیده‌ای برآمده از درون تحول و رشد دنیای سرمایه داری است که به مرور زمان بر کارکردهای آن افزوده شده و سایر جوامع نیز برای حفظ و صیانت از نیروهای مولد جامعه، مکانیزم‌های اجرایی آنرا به کار گرفته‌اند. تامین اجتماعی به لحاظ نقشی که در تامین امنیت جامعه، بازتوزیع و تولید درآمد، کاهش فقر، ارتقای سلامت افراد جامعه، تامین عدالت اجتماعی، افزایش بهره‌وری و ایجاد سرمایه اجتماعی دارد، از جایگاه قابل توجهی در توسعه اقتصادی-اجتماعی برخوردار می‌باشد که از آن هم به عنوان ابزار توسعه و هم به عنوان هدف و غایت توسعه استفاده می‌شود. به این مفهوم که برای رسیدن به توسعه پایدار، تامین اجتماعی یکی از مهمترین ابزارها می‌باشد و از سوی دیگر انتظار می‌رود که سطح بالاتر توسعه یافتگی در هر جامعه‌ای امکان گسترش کمی و کیفی تامین اجتماعی را فراهم کند (تامین اجتماعی، ۱۳۸۲، ۱۶). از مولفه‌های مهم توسعه اقتصادی-اجتماعی بهبود وضعیت بهداشت، رشد سلامت جامعه، سواد، کاهش میزان مرگ و میر، افزایش ضریب امنیت شغلی نیروی کار و... در یک جامعه می‌باشد و در نهایت باید اذعان داشت که خدمات بیمه‌های اجتماعی رابطه مستقیمی با مولفه‌های فوق دارد به نحوی که نقش مهمی در حفظ امنیت شغلی، آینده افراد و سلامت روانی - بهداشتی در جامعه را ایفا می‌نماید. سیاست‌های تامین اجتماعی هر کشوری رابطه مستقیم نسبت به افزایش توان تولید و رشد توسعه اقتصادی آن جامعه دارد تا جایی که بعضی از دانشمندان اقتصادی عقیده دارند، رشد و توسعه اقتصادی بدون تعمیم و گسترش

بیمه های تامین اجتماعی به تمامی اقشار جامعه به سختی تحقق پذیر می باشد. تا آنجا که در اثر کاهش نسبی رشد اقتصادی اعم از کوتاه مدت یا دراز مدت از امکانات رفاهی و تامین اجتماعی دولت‌ها کاسته می شود (پناهی ۱۳۷۶، ۳۰۳). وقتی تامین اجتماعی توسعه یافت و امکانات آن فراهم آمد خود به خود نیروهای تولیدی، توزیعی و خدماتی اقتصاد از بسیاری آسیبها و آفتها در امان بوده و عدم تشویش نسبت به آینده خود و اعضای خانواده توانمندی های بالقوه و بالفعل آنان را متمرکز و سبب بسیج در جهت فعالیت و تولید بیشتر خواهد شد (آراسته خو ۱۳۷۶، ۴۵). در نتیجه موجب افزایش بهره وری نیروی کار، رونق و شکوفایی اقتصادی خواهد شد.

اهمیت و ضرورت مطالعات جمعیتی برای بیمه های اجتماعی

بیمه تامین اجتماعی اگر همپای سایر مولفه های توسعه ای و تحول های سریع توسعه همگام نباشد بطور قطع یکی از پایه های اصلی و زیربنایی توسعه یافتگی در عصر حاضر می لنگد، یکی از مهمترین عوامل زیرساختی و پایه ای برای توسعه تامین اجتماعی استفاده از برنامه ریزی دقیق جمعیتی است.

جمعیت، محوری است که شاخص های دیگر رفاه بر روی آن می چرخد و بوسیله آن تبیین و تحلیل می شود، شاخص های مربوط به جمعیت بر دیگر شاخص های رفاه اجتماعی مانند: آموزش و پرورش، اشتغال، تغذیه، بهداشت و درمان تاثیر مستقیم دارد. (زاهدی اصل، ۱۳۸۱) تاثیر رشد جمعیت بر توسعه اقتصادی از دیرباز توجه اقتصاددانان و

برنامه‌ریزان را به خود جلب کرده است. با این حال عواقب رشد جمعیت نسبت به توسعه اقتصادی - اجتماعی در کشورهای در حال گذار با کشورهای صنعتی متفاوت است؛ زیرا شرایط اقتصادی - اجتماعی حاکم بر این کشورها با شرایط اقتصادی - اجتماعی کشورهای توسعه یافته صنعتی تفاوت های بسیار دارد.

برنامه‌ریزی های اقتصادی - اجتماعی، توسعه‌ای و رفاهی مستلزم در نظر گرفتن هماهنگی برنامه‌ها با ساختار و تحولات جمعیتی است. کثرت جمعیت یک جامعه مشکل ساز نیست. آنچه مشکل و بحران ایجاد می کند تحولات و رشد نامتناسب جمعیتی با شرایط اقتصادی - اجتماعی، منابع و امکانات و همچنین نداشتن برنامه های اقتصادی - اجتماعی متناسب با آن می باشد. رشد جمعیت به خودی خود مشکل و بحران ساز نیست، بلکه رشد فزاینده و به تعبیر جمعیت شناختی رشد بی رویه جمعیت است که مشکل ساز است. جمعیت‌شناسان بر این عقیده‌اند که با یک درصد رشد جمعیت، ۳ تا ۴ درصد رشد اقتصادی باید وجود داشته باشد، اگر تناسبی بین این دو وجود نداشته باشد، رشد جمعیت بی رویه است (حسینی ۱۳۸۱: ۱۳۰).

برنامه‌ریزی های اقتصادی - اجتماعی باید با توجه به ساختار گروه های مختلف جمعیتی و در نظر گرفتن روند رشد و پیش‌بینی آنها بر حسب نیاز برنامه مورد نظر به تفکیک جنس و گروه های سنی صورت گیرد.

نیروی انسانی هر کشوری به عنوان یک منبع مهم تولید، ابزار لازم و ضروری برای توسعه اقتصادی است و بدون داشتن نیروهای انسانی کارآمد و متخصص، دستیابی به

توسعه امری غیرممکن است. سیاست های رشد اقتصادی در هر کشوری باید الگوی اشتغال را به گونه‌ای پیش‌بینی کند که با در نظر گرفتن عوامل اقتصادی-اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حداکثر بازده بهره‌وری را در نیروی کار به همراه داشته باشد و شرایط لازم را برای اشتغال افراد جدیدی که هر ساله وارد بازار کار می‌شوند، فراهم نماید (حسینی ۱۳۸۱: ۱۴۴) از سویی امنیت شغلی نیروی کار از متغیرهایی است که بهره‌وری نیروی کار را افزایش داده و آسایش خاطر و سلامت روانی آنها را تأمین می‌نماید که امروزه یکی از وظایف نظام های رفاهی و بیمه های اجتماعی کشورها است.

سازمان تأمین اجتماعی که مهمترین پایگاه و تأمین کننده امنیت شغلی و رفاهی قشر مولد به خصوص در بخش صنعت و خدمات کشوری باشد، در این وادی مسئولیت خطیری را به عهده دارد. از طرفی روند تحولات جمعیتی، جمعیت تحت پوشش آن، ورودی ها و خروجی ها و تناسب بین آنها موضوع مهمی است که تأثیر عمده‌ای بر برنامه‌ها و انجام تعهدات بلند مدت و توسعه پایدار این سازمان دارد که نیازمند توجه عمیق و کارشناسانه، حتی دلسوزانه دست‌اندرکاران، دولتمردان، اندیشمندان و حمایت مدیران، کارفرمایان و بیمه‌شدگان را طلب می‌کند.

آنچه در مسئله جمعیت و برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی - اجتماعی و یا رفاهی مدنظر است، رقم مطلق جمعیت نیست بلکه مسئله تحولات روند رشد جمعیت است که باید در برنامه‌ریزی نسبت به ساختار جمعیت و چگونگی روند رشد و تحول گروه های سنی و جنسی مختلف به آن آگاهی و شناخت کامل داشته و مورد توجه قرار گیرد. در

برنامه‌ریزی‌ها با توجه به نوع برنامه اقتصادی- اجتماعی، آموزشی، رفاهی و... گروه‌های خاص سنی، جنسی و ساختار آنها باید مورد توجه قرار گیرد. بطوری که در برنامه‌ریزی‌های بیمه‌های اجتماعی، بیشتر دو گروه عمده سنی ۱۵ تا ۶۰ ساله یعنی جمعیت واقع در سن فعالیت و اشتغال و گروه سنی ۶۰ سال و بالاتر (جمعیت واقع در سن بازنشستگی) مدنظر می‌باشد، بدین جهت که افزایش گروه اول باعث افزایش درآمد سازمان‌های بیمه‌گر و روند رشد گروه دوم سبب افزایش هزینه‌ها و مخارج آنها می‌شود. با توجه به رشد هر کدام از این گروه‌ها در مقطع زمانی برنامه‌ریزی ویژه و خاص خود را می‌طلبند. این مقاله به تأثیر تحول شاخص‌های جمعیتی بر بیمه‌های اجتماعی (سازمان تامین اجتماعی در ایران) پرداخته شده است که تأثیر مستقیمی بر تحولات و توسعه تامین اجتماعی و همچنین توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور دارد.

در نظام‌های تامین اجتماعی بوريجی (مانند نظام تامین اجتماعی آمریکا) درصدی از مالیات اخذ شده از مردم به سازمان تامین اجتماعی پرداخت می‌شود که در آمد این صندوق را شکل می‌دهد، هزینه‌های تامین اجتماعی از این محل پرداخت می‌شود و مازاد آن برای پوشش سایر مخارج دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد (گزارش ۱۳۷۸:۱۱). از طرفی زمانی که پرداختی‌های تامین اجتماعی افزایش یابد، دولت از هزینه‌های دیگر کاسته و به هزینه‌های تامین اجتماعی می‌پردازد. اما در کشور ما که بر اساس نظام بیسمارکی و منبع درآمدی آن از محل وصول حق بیمه از بیمه‌شدگان (کارکنان مشمول قانون کار و تامین اجتماعی) است، دولت‌مردان گاهی به دید حمایتی به

سازمان تأمین اجتماعی می‌نگرند تا این که دیدگاه حمایت از این صندوق را داشته باشند. بنابراین بحران‌های مالی را باید بر اساس توان اقتصادی خودش بدون کمک دولت پشت سر بگذارد، بنابراین شناخت و آگاهی از ساختار و تحولات جمعیتی کشور در برنامه‌ریزی‌های جمعیتی این نوع بیمه‌ها از جایگاه و اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

بنابراین اگر بخواهیم به برنامه‌های توسعه‌ای سازمان تأمین اجتماعی به عنوان متولی بیمه‌های اجتماعی در ایران توجه کنیم، مستلزم توجه عمیق و برنامه‌ریزی شده به گروه‌های جمعیتی مشمول سازمان تأمین اجتماعی و ویژگی ساختار جمعیتی آنها می‌باشد که چه تعدادی با چه ساختاری در چه محدوده زمانی به جمع این خانواده می‌پیوندند و در چه مدتی مراحل تولید و فعالیت خود را طی نموده و به قشر جمعیت غیرفعال و مستمری‌بگیر خواهند پیوست. در هر محدوده زمانی برنامه‌ریزی استراتژیک آن باید متوجه کدام گروه باشد، به طور مثال در شرایطی که رشد جمعیت کاهش یافته، متولدین دهه ۵۵ تا ۶۵ به سن فعالیت رسیده و درصد جمعیت فعال کشور در حال افزایش است، به نحوی که در سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت واقع در سن فعالیت ۱۵ تا ۶۴ ساله به بالاترین حد خود از سرشماری سال ۱۳۵۵ تا کنون (۷۰/۹ درصد) رسیده است، بنابراین برنامه‌ریزی‌های سازمان باید در جهت پوشش و گسترش بیشتر تأمین اجتماعی برای جذب گروه‌های گوناگون شغلی باشد تا بتواند، منابع مالی خود را افزایش داده و برای نسل‌های آتی سرمایه‌گذاری نماید تا از کورس حرکت به سمت توسعه همه جانبه و ارائه خدمات بهتر در قرن بیست و یکم که توقع اجتماعی و سرعت تحولات اقتصادی-اجتماعی که بطور

فزاینده در حال افزایش است، عقب نماند و نسبت به وظایف خود که حمایت از نیروی انسانی مولد جامعه که در حال اشتغال و یا دوران اشتغال خود را سپری نموده اند، باز نماند.

رابطه تحولات جمعیتی و برنامه ریزهای تأمین اجتماعی

به طور کلی مطالعات و بررسی های جمعیتی حول دو محور بنیادی یعنی ساخت و حرکات جمعیت صورت می گیرد. ساخت جمعیت و تغییرات آن از مهمترین عوامل مؤثر در برنامه ریزی های اقتصادی - اجتماعی است، بنابراین مطالعه ساخت و حالت جمعیت از ابزارهای کارساز و اساسی در فرایند برنامه ریزی و تدوین برنامه های توسعه ملی است، زیرا در تمام این برنامه ها سیاست های جمعیتی مشخصی برای تأثیرگذاری بر شاخص ها و متغیرهای جمعیتی حول محورهایی چون توزیع متناسب جمعیت در سطح زمین، نیروی انسانی، اشتغال، بهداشت و درمان اتخاذ می شود، از این رو بررسی ساخت جمعیت به منظور شناسایی و تشخیص نیازها و اقدام عملی برای تدارک و تأمین آن نیازها در فرایند برنامه ریزی و تدوین برنامه های توسعه ای متناسب با آن لازم و ضروری است.

سازمان تأمین اجتماعی با توجه به این که بیش از ۴۵ درصد جمعیت کشور (بیش از ۳۴ میلیون نفر) را زیر پوشش خود قرار داده است، ساخت و حرکات جمعیت آن نیز متأثر از ساخت و حرکات جمعیت کل کشور است. لذا بررسی و مطالعه ویژگی جمعیت تحت پوشش آن مستلزم مطالعه ساختار جمعیتی کشور است.

سازمان تأمین اجتماعی به نحوی با ترکیبی از گروه های مختلف جمعیتی در ارتباط می باشد. در این بررسی بیشتر گروه های بزرگ سنی یعنی ۰ تا ۱۴ ساله و ۱۵ تا ۶۰ ساله و ۶۰ سال به بالا بیشتر مدنظر می باشد.

در فرایند توسعه سازمانی در نظر گرفتن منافع، مصارف و خدمات گوناگون سازمان و توجه به گروه های جمعیتی در جایگاه خود حائز اهمیت است. با توجه به تحولات جمعیتی کشور که افزایش جمعیت دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ بالاترین رشد جمعیت کشور را (۳/۹ درصد) شامل می شود و در حال حاضر موجب افزایش جمعیت فعال کشور (۱۵ تا ۶۵ ساله) شده است و این روند تا سال های آتی ادامه دارد که این امر باعث افزایش جمعیت شاغل و مشمول (تحت پوشش) قانون تأمین اجتماعی خواهد شد که هم می تواند منابع درآمدی سازمان ناشی از وصول حق بیمه افزایش یابد و یا موجب افزایش بعضی از هزینه ها شود. از طرفی کاهش باروری دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ و ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ باعث افزایش امید زندگی و افزایش جمعیت بالای ۶۰ سال و مستمری بگیران را خواهد شد.

با در نظر گرفتن کاهش رشد جمعیت از ۳/۹ درصد در دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به ۱/۹۶ در دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ و ۱/۶۱ در سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ و ۱/۲۹ در سرشماری سال ۱۳۹۰ نمی توان به توقف رشد جمعیت امیدوار بود. بدین دلیل که متولدین سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ با در نظر گرفتن بالا رفتن سن ازدواج، به سن باروری رسیدند. اگر چه باروری جمعیت از ۶/۳ فرزند در دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به حدود ۲ فرزند در دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ و حدود ۱/۵ فرزند در سرشماری سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است، ولی با توجه به این که

تعداد خانوارهایی با باروری دو فرزند از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ به بعد بیشتر از خانوارهای با چهار فرزند دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ می‌باشند، بنابراین افزایش جمعیت همچنان روند صعودی خود را طی خواهد نمود، به نحوی که پیش‌بینی جمعیت برای سال ۱۴۰۰ با میانگین رشد ۱/۶ درصد در دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ و ۱/۳ درصد ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ حدود ۹۱ میلیون نفر خواهد رسید. حتی اگر درصد جمعیت تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی افزایش نداشته باشد سهم ۴۵ درصدی امروز سازمان از جمعیت کل کشور در سال ۱۴۰۰ به بیش از ۴۰ میلیون نفر خواهد رسید، که اگر نسبت بیمه شدگان به جمعیت کشور در نظر بگیریم تعداد بیمه شدگان اصلی نیز به حدود ۱۴ میلیون و تعداد بازنشستگان به حدود ۳ میلیون نفر خواهد رسید. با این حال که درصد جوانی جمعیت (زیر ۱۵ ساله) از ۴۵/۵ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۳۹/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است و به تبع آن درصد سالمندی (۶۵ ساله و بالاتر) جمعیت از ۳ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۴/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ و ۵/۱۹ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۵/۷ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است، نشانگر حرکت سریعتر جمعیت به سمت سالخوردگی و کهنسالی است.

جدول درصد جوانی، فعال، سالخوردگی و نسبت بستگی جمعیت کشور

بر اساس سرشماری های ادواری ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

گروه سنی سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
۱۴-۰	۴۴.۵	۴۵.۵	۳۹.۵	۲۵.۱	۲۳.۴
۱۵-۶۴	۵۲.۲	۵۱.۵	۵۶.۱	۶۹.۷	۷۰.۹
به بالا ۶۵	۳.۵۲	۳	۴.۳	۵.۲	۵.۷
نسبت تکفل	۹۲.۰	۹۴.۲	۷۸.۱	۴۳.۵	۴۱.۰۴

با در نظر گرفتن روند جمعیتی مذکور سازمان تأمین اجتماعی با روند رو به رشد مستمری‌بگیران در آینده مواجه خواهد شد. اگر وضعیت اشتغال و بهره‌وری نیروی کار نیز رو به بهبود باشد و جمعیت فعال (۱۵ تا ۶۰ ساله) و شاغل تحت پوشش سازمان متناسب با رشد جمعیت بالای ۶۰ سال افزایش یابد (به شرط آن که بیشتر تحت پوشش سایر صندوق‌های بازنشستگی قرار نگیرند) و تناسب بین این دو در حدی معقولی برقرار باشد، به نحوی که درآمدهای ناشی از وصول حق بیمه افزایش یابد، سازمان می‌تواند امیدی به روبه رو نشدن با بحران مالی داشته باشد، اما اگر تناسبی بین جمعیت بیمه شده (شاغل) و مستمری‌بگیر (سالمند) نداشته باشد در نتیجه تناسبی بین درآمدها و مصارف سازمان وجود نخواهد داشت به طور قطع با توجه به سالخوردگی جمعیت و به خصوص

جمعیت تحت پوشش سازمان مشکل مالی ناشی از ازدیاد جمعیت سالخورده (بازنشسته) بحران جدی پیش روی این نهاد می باشد که در گزارش های اقتصادی - اجتماعی سازمان به آن اشاره شده است؛ صندوق بیمه ای کشور در حالی به نقطه سر به سر نزدیک می شود که هنوز با پدیده سالخوردگی مواجه نشده است، پیش بینی می شود با توجه به کاهش نرخ

بازنشستگان از این به بعد مشمول این گفته پیر دراکر هستند؛ متولدین سال ۱۹۴۸ به بعد اولین گروه سنی تاریخ بشر خواهند بود که بعد از ۳۰ تا ۴۰ سال کار تمام وقت به سبب عدم انجام کارهای سخت یدی از لحاظ جسمی فرسوده نیستند بلکه اکثریت آنها هنوز چه برای کارهای جسمی و چه کارهای فکری کاملاً توانمند هستند (دراکر، ۱۹۸۵: ۶۷) و به خوبی می توانند سال های بیشتری بعد از سن بازنشستگی (۶۰ سالگی) به کار و

رشد جمعیت و روند صعودی افزایش امید زندگی طی ۳۰ تا ۴۰ سال آینده، کشور با رشد پدیده سالخوردگی روبه رو شود (گزارش ۷۸ ص

۶۷) از طرفی به دلیل تصمیم گیری هایی که بدون انجام محاسبات بیمه ای به سازمان تأمین اجتماعی تحمیل شده، این سازمان سریعتر در معرض بحران قرار گرفته است. به نحوی که در حال حاضر از جمع کل ۲/۲ میلیون نفر مستمری بگیر تأمین اجتماعی حدود ۳۰ درصد آنها بیش از برآوردهای این سازمان طبق محاسبات جمعیت شناختی و بیمه ای است که به انحراف گوناگون به سازمان تحمیل شده است. از جمله قوانینی که با تصویب آن هزینه های پیش بینی نشده به این نهاد تحمیل کرده است، مانند قانون بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور و قانون نوسازی صنایع و همچنین تصمیم بر کاهش سن بازنشستگی به ۲۵ سال سابقه از دیگر مواردی است که بدون هیچ گونه اندیشه علمی و

محاسباتی دقیق بیمه ای و جمعیت شناختی، در حالی به سازمان تحمیل می شود که برخلاف روند جهانی که با افزایش امید زندگی سن بازنشستگی نیز افزایش می یابد، در صورتی که در برخی موارد برای ایجاد توازن و تعادل در بازار کار در جهت کاهش بیکاری، بدون توجه به محاسبات علمی و اصول اقتصادی - بیمه ای سن بازنشستگی را کاهش می دهند، در حالی که تاثیر چندانی در کاهش بیکاری هم نداشته است. در کشورهای توسعه یافته سن بازنشستگی حدود ۵ سال با امید زندگی فاصله دارد و با افزایش امید زندگی سن بازنشستگی نیز افزایش داده می شود. به طور مثال در کشور سوئد و انگلستان در زمانی که امید زندگی مردان به ترتیب به حدود ۷۶/۳ و ۷۴/۵ رسید سن بازنشستگی نیز حدود سه سال افزایش داده شد، یعنی به ۶۳/۳ و ۶۲/۷ و حتی برای زنان با حدود ۵ سال افزایش به ۶۰/۱ سال در سوئد و به ۵۹/۷ سال در انگلستان افزایش یافت.

در قانون تأمین اجتماعی سن بازنشستگی مردان ۶۰ سال در نظر گرفته شده است که با توجه به امید زندگی در سن ۶۵ سالگی که برای مردان ۱۲/۹ و برای زنان ۱۴/۳ سال است طبق تحقیق های انجام شده انتظار می رود مردان بازنشسته ۱۷/۹ سال دیگر (بیش از ۶۰ سال) به زندگی ادامه دهند، بازنشستگی زنان با ۵۵ سال سن است که انتظار می رود ۲۴/۲ سال دیگر بعد از بازنشستگی ادامه حیات دهند (آئینه وند، ۷۰، ۱۳۸۴). در مواردی بازنشستگی کمتر از این سن هم در قانون تأمین اجتماعی پیش بینی شده است، به عنوان مثال زنان کارگر می توانند با ۴۲ سال سن و ۲۰ سال سابقه بازنشسته شوند.

این مورد در حالی است که بازنشستگان از این به بعد مشمول این گفته "پتر دراکر" هستند؛ متولدین سال ۱۹۴۸ به بعد اولین گروه سنی تاریخ بشر خواهند بود که بعد از ۳۰ تا ۴۰ سال کار تمام وقت به سبب عدم انجام کارهای سخت یدی از لحاظ جسمی فرسوده نیستند بلکه اکثریت آنها هنوز چه برای کارهای جسمی و چه کارهای فکری کاملاً توانمند هستند (دراکر، ۶۷، ۱۳۸۴) و به خوبی می توانند سال‌های بیشتری بعد از سن بازنشستگی (۶۰ سالگی) به کار و فعالیت مشغول باشند.

رشد سریع و نامتناسب جمعیت، ناهماهنگی میان رشد جمعیت و رشد توسعه اقتصادی - اجتماعی مشکلات فراوانی را در زمینه‌های گوناگون اقتصادی - اجتماعی، تغذیه‌ای، بهداشتی، آموزشی، اشتغال و... را ایجاد کرده است. حرکت جامعه به سمت توسعه در ابعاد گوناگون مستلزم ایجاد تناسب میان رشد جمعیت و رشد اقتصادی است. بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی نیازمند آن است که متناسب با یک درصد رشد جمعیت ۴ تا ۵ درصد رشد اقتصادی در جامعه صورت

گیرد. در این ارتباط کافی است بدانید، در ایران در سال ۱۳۷۵ نرخ رشد اقتصادی ۰/۴ درصد و نرخ تورم ۲۳/۲ درصد بوده است، در حالی که نرخ رشد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
 در مبانی اندیشه اسلامی تأمین اجتماعی حق مسلم یک‌یک
 افراد فارغ از ویژگی‌های مربوط به قوم، مذهب، جنس،
 رنگ، نژاد است، جامعه مکلف به تأمین منابع خاص برای
 رفاه هرچه بیشتر مردم می‌باشد.

سالانه جمعیت در همان سال ۱/۹۶ درصد بوده است (حسینی ۱۳۸۱: ۱۳۱). نرخ رشد

اقتصادی در سال گذشته ۶/۵ درصد و رشد جمعیت ۱/۲۹ درصد می باشد، رشد جمعیت تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی (بیمه شدگان اصلی) طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰، ۴/۴ درصد و مستمری بگیران طی این دوره ۷ درصد بوده است که طبق تئوری فوق رشد اقتصادی متناسب این سازمان با توجه به رشد بیمه شدگان باید بین ۱۶ تا ۲۰ درصد با توجه به رشد مستمری بگیران و سالخوردگی فزاینده جمعیت، رشد اقتصادی باید بین ۲۵ تا ۳۵ درصد باشد، تا از رشد و توسعه اقتصادی متناسبی برخوردار بوده تا بتواند به تعهدات سازمانی و وظایف بین النسلی خود عمل نمایند و از توسعه پایدار برخوردار شوند. با توجه به این که در بهترین و خوش بینانه ترین شرایط اقتصادی در جهان رشد ۱۰ درصدی یک رشد و رقم رؤیایی است، پس بنابراین، باید با برنامه ریزی دقیق جمعیتی مانند افزایش سن بازنشستگی و... رشد اقتصادی مورد نیاز که به طور تقریب غیر ممکن است را جبران نموده و از بحران مالی جلوگیری شود.

وضعیت فعالیت، اشتغال و بیکاری

برخی از صاحب نظران برخورداری از تأمین اجتماعی را ناشی از اشتغال و حق افرادی می شناسند که کار می کنند. برخی دیگر تأمین اجتماعی را در زمره حقوق طبیعی و عده ای دیگر آن را مرحله ای تازه در مسیر تکامل و تحول جامعه انسانی و حاصل تعبیر جامع تری از برقراری عدالت و امنیت اجتماعی تلقی می کنند. در مبانی اندیشه اسلامی تأمین اجتماعی حق مسلم یک یک افراد فارغ از ویژگی های مربوط به قوم، مذهب، جنس، رنگ، نژاد است، جامعه مکلف به تأمین منابع خاص برای رفاه هر چه بیشتر مردم می باشد.

مورد دیگری که باید به آن پرداخته شود، وضعیت فعالیت، اشتغال و ارتباط آن با وضعیت سازمان و همچنین نسبت بین بیمه شدگان و مستمری‌بگیران سازمان است. نیروی کار هر کشوری همان جمعیت واقع در سنین کار و فعالیت است. در مرحله تحول جمعیتی، با افزایش میزان مرگ و میر، نسبت جمعیت خارج از سنین کار و فعالیت به شدت افزایش می‌یابد، در نتیجه از نسبت نیروی کار به کل جمعیت کاسته می‌شود. این کاهش در مقابل افزایش جمعیت زیر ۱۵ سال به معنی بالا رفتن نسبت بستگی و در نتیجه مشکلات بیشتر برای جمعیت ۱۵ تا ۶۴ ساله است. (حسینی ۱۳۸۱: ۱۴۲)

مطالعه تحولات جمعیت کشور نشان می‌دهد که درصد جوانی جمعیت از ۴۴/۵ در سرشماری ۱۳۵۵ به ۴۵/۵ در سال ۶۵ و ۲۵/۰۸ در سرشماری ۱۳۸۵ و ۲۳/۴ در سرشماری سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است و از طرفی سالخوردگی جمعیت از ۳/۵۲ درصد در سال ۱۳۵۵ در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب به ۴/۳ و ۵/۱۹ و به ۵/۷ در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است که بیانگر سالخوردگی جمعیت ۱۳۹۰ نسبت به سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۸۵ می‌باشند و همچنین جمعیت واقع در سن فعالیت که از ۵۲ درصد در سرشماری ۱۳۵۵ به ۵۶/۲ درصد در سال ۱۳۷۵ و ۶۹/۷۶ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۷۰/۹ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است، به تبع آن نسبت بستگی از ۹۲/۴ در سال ۱۳۵۵ به ۴۱/۰۴ در سال ۱۳۹۰ رسیده است، یعنی در سال ۱۳۵۵ به ازای هر ۱۰۰ نفر در سن فعالیت ۹۲/۴ نفر در سنین زیر ۱۵ سال و بالای ۶۵ سال قرار دارند که در سال ۱۳۹۰ این نسبت به ۴۱/۰۴ نفر در مقابل ۱۰۰ نفر در سن فعالیت رسیده است که اگر جمعیت واقع در سن فعالیت شاغل باشند - بر اساس

گزارش مرکز آمار ایران^۱ در بهار ۱۳۸۶ نرخ مشارکت اقتصادی ۴۰/۵ درصد اعلام نموده است- نسبت بستگی روند مثبتی را نشان می‌دهد که در این صورت تأثیر مستقیمی در افزایش درآمدهای سازمان تأمین اجتماعی از طریق وصول حق بیمه دارد. نرخ بیکاری سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ این روند را تأیید می‌نماید که این نرخ از ۱۴/۲ درصد در سال ۶۵ به ۱۲/۷۵ در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است ولی به نظر می‌رسد، علت اصلی این کاهش به دلیل افزایش درصد اشتغال نبوده بلکه تأثیر از روند افزایش جمعیت واقع در سن فعالیت می‌باشد.

با این حال برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای تأمین اجتماعی باید به نحوی باشد که با گسترش چتر پوششی خود بتواند، جمعیت فعال شاغل بیشتری را تحت پوشش قرار دهد که نسبت بین بیمه‌شدگان به مستمری‌بگیران کاهش نیابد به نحوی که این نسبت از ۶/۷ نفر در سال ۱۳۶۰ و ۵/۴ در سال ۱۳۷۵ به ۵/۱ در سال‌های ۱۳۸۵ و ۵/۲ در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است، یعنی این که به ازای هر مستمری‌بگیر (پرونده) در سال ۱۳۶۰، ۶/۷ نفر بیمه شده اصلی بوده و در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ۵/۱ و ۵/۲ نفر رسیده است که حکایت از روند نزولی درآمد ناشی از وصول حق بیمه نسبت به پرداخت مستمری می‌باشد. طبق پیش‌بینی انتظار می‌رود این نسبت برای سال ۱۴۰۰ به ۴/۷ کاهش یابد که نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب و نگران‌کننده این نسبت می‌باشد.

۱. گزارش شاخص نیروی کار - بهار ۱۳۸۶، سایت مرکز آمار ایران (amar.sci.org.ir)

خلاصه و نتیجه‌گیری

با پوشش بیش از ۴۳ درصدی جمعیت کشور تحولات جمعیتی سازمان تأمین اجتماعی به شدت متأثر از تحولات جمعیتی کل کشور است. شرایط اقتصادی - اجتماعی، افت و خیزهای سازمان متأثر از روند کلی جامعه است. رشد بی‌رویه جمعیت دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ (۳/۹ درصد) که حتی ۵ درصد بیشتر از رشد طبیعی (۳/۲ درصد)^۱ بود، تأثیر بر ساختار و روند تحولات جمعیتی نهاده است که تأثیر ناگوار و حتی غیرقابل جبران آن به آسانی از بین نخواهد رفت. از جمله تأثیر آن بر نیروی فعال و واقع در سن اشتغال در دهه ۱۳۸۰ است. به نحوی که نرخ بیکاری از ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۷۵ در سال ۱۳۸۵ رسید. جمعیت واقع در سن فعالیت از ۵۱/۵ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۶۹/۷۶ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است که از جمله مسائل و موضوع جمعیتی پیش‌روی سازمان تأمین اجتماعی است که توجه و برنامه خاص خود را می‌طلبد.

از دیدگاه جمعیت‌شناسی در زمانی که جمعیت بالقوه فعال، یعنی گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال ۷۰ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دهد فرصت مناسبی برای توسعه اقتصادی است که با برنامه ریزی دقیق و درست، یک فرصت مناسب برای توسعه کشور می‌باشد. کشورهایمانند ژاپن و چین از این فرصت به بهترین وجه برای توسعه اقتصادی کشور بهره بردند.

۱. رشد طبیعی جمعیت ۳/۲ درصد است که رشد ۴ درصدی جمعیت کشور طی دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ ناشی از ۳/۲ درصد رشد طبیعی و ۰/۸ درصد رشد مهاجرت به داخل (از افغانستان و معاندین عراق) بوده است

به دنبال آن کاهش باروری و کاهش رشد جمعیت دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به ۱/۹۶ درصد و روند رو به کاهش آن به ۱/۶ در سال ۱۳۸۵ و ۱/۳ در سال ۱۳۹۰ باعث افزایش امید زندگی و افزایش درصد سالخوردگی از ۴/۳ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۵/۱۹ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۵/۷ در سال ۱۳۹۰ شده است، به تبع آن، سال‌های استفاده از مزایای بازنشستگی با توجه به سن بازنشستگی ۶۰ سال برای مردان و ۵۵ سال برای زنان طولانی تر می شود. برخلاف روند جهانی نباید با افزایش امید زندگی به دلایل اجتماعی یا سیاسی و برنامه‌های کوتاه مدت و مقطعی، تحت تأثیر شرایط بحرانی جامعه سن بازنشستگی را کاهش داد. با توجه به حرکت جمعیت به سمت سالخوردگی کاهش سن بازنشستگی و عدم افزایش آن از چالش‌های عمده پیش روی سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد.

سالخوردگی جمعیت و پیشی گرفتن رشد مستمری بگیران نسبت به رشد بیمه شدگان احتمال عدم تناسبی بین منابع و مصارف سازمان ایجاد می نماید که نگران کننده و جای تأمل و چاره‌اندیشی دارد. از طرفی با توجه به رشد جمعیت فعال نیروی انسانی آماده بکار در حال افزایش است و با برنامه‌های اصولی و توسعه‌ای می توان با جذب این نیروی عظیم به افزایش تعداد بیمه شدگان اصلی (ورودی به سازمان) و بالا رفتن وصول حق بیمه، درآمد سازمان افزایش یابد و از طرفی از خروج فزاینده قبل از موعد و غیر منتظره نیروهای شاغل با مانع شدن از تصویب قوانین مغایر با اصول بیمه‌ای و بدون در نظر گرفتن محاسبات بیمه‌ای و جمعیت شناختی، جلوگیری شود. یعنی برنامه‌ریزی به سمتی باشد که باعث افزایش فزاینده ورودیها و روند کاهنده خروجی‌ها شود، به نحوی که تجربه کشورهای

موفق مؤید آن است که راه حل خارج شدن از بحران، نخست تحول و رشد اقتصادی و پس از آن راه حل های بیمه ای مثل افزایش سن بازنشستگی، افزایش حق بیمه و در نهایت افزایش مشارکت دولت در این عرصه می باشد (گزارش ۱۳۷۸: ۲۱)

مسئله دیگری که برای سازمان تأمین اجتماعی بحران ساز است و پیش از این نیز به آن پرداخته شد و مانع عملکرد مناسب این سازمان برای عمل به تعهدات خود در حمایت از نیروی کار، اشتغال، تولید و توسعه اقتصادی - اجتماعی است، دیدگاه عمومی جامعه، دولتمردان، مدیران، برنامه ریزان کشور، صاحب نظران و ... نسبت به وظایف و اهداف سازمان تأمین اجتماعی می باشد که بر اساس این دیدگاه، اجرایی شدن تعهدات دولت در اجرای اصل ۲۹ قانون اساسی را از سازمان تأمین اجتماعی توقع دارند در حالی که سازمان تأمین اجتماعی یک صندوق بیمه ای و جزوی از نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی است که تعهدات و تکلیف قانونی آن فقط باید برای مشترکان واقعی (بیمه شدگان و مستمری بگیران) این سازمان باشد.

بطور خلاصه مسائل جمعیتی که در برنامه ریزی های سازمان تأمین اجتماعی باید برای استفاده از جنبه های مثبت تحولات آینده جمعیتی و جلوگیری از زیان و عوارض جنبه های منفی آن و عدم مواجهه با بحران اقتصادی - اجتماعی با تدبیر و برنامه ریزی و تأمل به آن توجه شود که علاوه بر جلوگیری از جنبه های منفی آن به نفع توسعه تأمین اجتماعی و در نتیجه توسعه و رشد اقتصادی کشور استفاده شود عبارتند از:

- ۱- روند رو به رشد فزاینده جمعیت فعال (۱۵ تا ۶۵ ساله) و درصد اشتغال کشور
- ۲- روند رو به رشد سالخوردگی جمعیت کشور و تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی و افزایش تعداد مستمری بگیران

- ۳- کاهش نسبت تعداد بیمه‌شدگان به مستمری‌بگیران و افزایش مصارف بر منابع
- ۴- افزایش امید زندگی و سال‌های استفاده از مستمری بازنشستگی
- ۷- کاهش سن بازنشستگی از طریق بازنشستگی‌های زودهنگام با تصویب قوانین مختلف بازنشستگی پیش از موعد و همچنین کاهش سابقه مورد نیاز برای بازنشستگی
- ۸- رشد شهرنشینی و افزایش جمعیت تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی

پیشنهادات:

- با توجه به مطالب فوق پیشنهادات زیر در جهت توجه به تحولات جمعیتی در برنامه‌ریزی‌های تأمین اجتماعی به منظور جلوگیری از بحران و حرکت به سمت توسعه پایدار و همچنین بکارگیری اصول محاسبات جمعیتی و بیمه‌ای ارائه می‌شود:
- ۱- رعایت اصول و محاسبات دقیق و علمی جمعیت‌شناسی به عنوان پایه محاسبات بیمه‌ای؛ محاسبات روند مرگ و میر، باروری، فعالیت و اشتغال، بیکاری و پیش‌بینی‌های آینده جمعیتی به تفکیک سن و جنس و ...
 - ۲- بازنگری در قوانین بازنشستگی و سن بازنشستگی متناسب با افزایش امید زندگی.
 - ۳- جلوگیری از ورود گروه‌هایی که خارج از محاسبات بیمه‌ای به جمع دریافت‌کنندگان خدمات تأمین اجتماعی می‌پیوندند.
 - ۴- آموزش و تربیت کارشناسان متخصص در امور بیمه‌گری و محاسبات اکچوئری
 - ۵- انجام پژوهش‌های کاربردی در راستای مسائل و مشکلات بیمه‌ای مرتبط با تحولات جمعیتی، وضعیت اشتغال و نیروی کار
 - ۷- بازنگری در محاسبات بیمه‌ای و اکچوئری با توجه به مولفه‌های جمعیتی با در نظر گرفتن مسائل اقتصادی-اجتماعی

منابع

- ۱- آئینه نند، کورش (۱۳۸۴) پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت شناسی «روند سالمندی بازنشستگان تأمین اجتماعی ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۲»، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
- ۲- دراکر، اف پیتر، ۱۳۸۴، «چالش های مدیریتی قرن بیست و یکم» ترجمه محمود طلوع، چاپ رسا، تهران
- ۳- حسینی، حاتم (۱۳۸۱) درآمدی بر جمعیت شناسی اقتصادی- اجتماعی و تنظیم خانواده - همدان - دانشگاه بوعلی سینا
- ۴- زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۱) مبانی رفاه اجتماعی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی
- ۵- گزارش اقتصادی و اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی (سال ۱۳۷۸) - تهران، سازمان تأمین اجتماعی
- ۶- گزارش اقتصادی و اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی (سال ۱۳۸۲) - تهران، سازمان تأمین اجتماعی
- ۷- گزارش سازمان ملل متحد (۱۹۹۸)، بخش جمعیت شناسی.
- ۷- مجلس و پژوهش، ویژه نامه نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، تهران ش ۳۳، سال نهم، بهار ۱۳۸۱
- ۸- نظام جامع تأمین اجتماعی، (۱۳۷۷) مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی
- ۹- نشریه برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۸۰ سازمان تأمین اجتماعی
- ۱۰- نشریه سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵ و ۱۳۹۰ کل کشور - مرکز آمار ایران
- ۱۱- هفته نامه آتیه، (شماره های ۴۳۲ و ۴۳۳ و...) تهران، ۱۳۸۲ - سازمان تأمین اجتماعی